



<https://cbs.ui.ac.ir/?lang=en>

**Journal of Research in Cognitive and Behavioral Sciences**  
E-ISSN: 2345-3524  
Vol. 10, Issue 2, No.19, Autumn and winter 2021, P: 103-116

Research Article

## **Relationship between parental attachment and adolescent bullying in school: An analysis of the mediating role of psychological well-being and attachment to peers**

**Majid Yousefi Afrashteh\***: Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Zanzan University, Zanzan, Iran  
yousefi@znu.ac.ir

**Ahmad Haghghi**: M.A. Department of Educational Psychology, Faculty of Humanities, Zanzan University, Zanzan, Iran  
Ahmad.Haghghi@yahoo.com

### **Abstract**

Bullying is one of the most important health problems for teenagers. This study aimed to investigate the relationship between parental attachment and adolescent bullying in school by analyzing the mediating role of psychological well-being and peer attachment. The statistical population of the study consists of all first-grade high school students in Kowsar city in 2020-2021. Participants included 329 female students who were selected by cluster random sampling method and responded to the Illinois Bullying Scale 2001, Reef Psychological Well-Being Scale, 1980, and Parent-Peer Attachment Scale, 1987 in Adolescents. Research hypotheses were tested by path analysis. Findings showed that there is a negative and significant relationship between parental attachment and bullying. In addition, in the relationship between parental attachment and bullying, two variables of peer attachment and psychological well-being play a mediating role. Also, the fit indices of the final research model had a good fit, which all confirmed the significance of the research.

**Keywords:** Bullying, attachment to parents and peers, psychological well-being

---

\* Corresponding author

Copyright©2021, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially



## رابطه دلبستگی به والدین با قلدری نوجوانان در مدرسه؛ تحلیل نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی به همسالان

مجید یوسفی افرشته\*؛ استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

yousefi@znu.ac.ir

احمد حقی: کارشناس ارشد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

Ahmad.Haghghi@yahoo.com

### چکیده

قلدری یکی از مهم‌ترین مشکلات سلامتی نوجوانان است. هدف این پژوهش، بررسی رابطه دلبستگی به والدین با قلدری نوجوانان در مدرسه با تحلیل نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی به همسالان بود. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان کوثر در سال 1400-1399 تشکیل دادند. شرکت‌کنندگان شامل 329 دانش‌آموز دختر بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به مقیاس قلدری ایلی‌نویز، مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف و سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان در نوجوانان پاسخ دادند. فرضیه‌های پژوهش با تحلیل مسیر آزمون شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین دلبستگی به والدین و قلدری رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. علاوه بر این، در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری دو متغیر دلبستگی به همسالان و بهزیستی روان‌شناختی نقش میانجی دارند. همچنین، شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار شد که همه این عوامل معنی‌داری پژوهش را تأیید کردند.

**واژگان کلیدی:** قلدری، دلبستگی به والدین و همسالان، بهزیستی روان‌شناختی

\* نویسنده مسئول

## مقدمه

پدیده قلدری<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین مشکلات سلامتی در نوجوانان است (چو و لی<sup>۲</sup>، 2018). مطالعه قلدری برای نخستین بار در سطح جهان با پژوهش‌های الویوس<sup>۳</sup> در سال 1980 شروع شد (اسماعیل‌زاده، 1395). قلدری و آزار و اذیت در مدرسه مسئله‌ای جدی در سراسر کشورهاست که با نتایج نارضایتی از زندگی همراه است (آرنارسون<sup>۴</sup> و همکاران، 2020؛ کاروال هو<sup>۵</sup> و همکاران، 2020؛ چائی<sup>۶</sup> و همکاران 2020). به‌طور کلی، در تعریف قلدری می‌توان گفت قلدری استفاده از زور، اجبار، تهدید و یا سوءاستفاده برای تسلط پرخاشگرانه و ترساندن افراد است (الویوس، 1993). قلدری می‌تواند به‌صورت جسمی، کلامی و رابطه‌ای باشد (اسمیت<sup>۷</sup> و همکاران، 2018) و می‌توان آن را در دو دسته تقسیم‌بندی کرد که عبارت است از آزار و اذیت سنتی (توکاناگا<sup>۸</sup>، 2010) و اینترنتی (لی<sup>۹</sup> و همکاران، 2012). قلدری شامل نقش‌های قلدر، قربانی، قلدر/قربانی و تماشاگر است (وسی<sup>۱۰</sup> و همکاران، 2013). با توجه به شیوع قلدری و پیامدهای آن، تهدیدهای قلدری در مدرسه از مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه کارهای اجتماعی (زانگ<sup>۱۱</sup> و همکاران، 2019) و بهداشت عمومی است (ویلی فورد و زین<sup>۱۲</sup>، 2018). تأثیرات منفی قلدری در مدرسه می‌تواند بر سلامت و بهزیستی روان‌شناختی<sup>۱۳</sup> کودکان و نوجوانان مضر باشد که سازگاری روانی و اجتماعی را هم برای قربانیان و هم برای قلدرها تحت تأثیر قرار می‌دهد (بندر و لاسل<sup>۱۴</sup>، 2011).

افرادی که دلبستگی<sup>۱۵</sup> مادر و فرزند ضعیفی را در دوران کودکی تجربه می‌کنند، بیشتر از افراد دیگر دچار ناامنی و قربانی قلدری همسالان می‌شوند (ایکس یو<sup>۱۶</sup> و همکاران، 2017). نظریه دلبستگی به‌عنوان «دیدگاه رشدی طول عمر» بیانگر تجارب عاطفی اولیه بین مادر و کودک است (سابل<sup>۱۷</sup>، 2008). به‌طور کلی، دلبستگی به والدین سه سطح دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن اجتنابی و دلبستگی ناایمن دوسوگرا دارد. دلبستگی ایمن باعث تسهیل روابط بین فردی و افزایش مقاومت روانی می‌شود. دلبستگی ناایمن اجتنابی علاوه بر اینکه موجب صمیمیت کمتر در روابط بین فردی می‌شود، تعارضات زیادی را هم به دنبال دارد. دلبستگی ناایمن دوسوگرا هم می‌تواند ترس از طرد شدن و بی‌اعتمادی را گسترش دهد و باعث تعادل‌نداشتن در احساسات شود (سالاری، 1389). محیط خانوادگی یکی از جنبه‌های مهم مداخلات است؛ زیرا می‌تواند رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را به شدت تقویت یا تضعیف کند (اسپرویت<sup>۱۸</sup> و همکاران، 2020). اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه دلبستگی نشان می‌دهد چگونگی ارتباط بین والدین و فرزندان می‌تواند ارتباط ایمن و ناایمنی را در کودکان به وجود آورد که سازگاری یا ناسازگاری‌های رفتاری آنها را در آینده پیش‌بینی می‌کند (ناگی<sup>۱۹</sup>، 2015). از طرفی، این ناسازگاری‌های رفتاری بر بهزیستی روان‌شناختی در دوران نوجوانی اثر منفی می‌گذارد (پاراکاردونا<sup>۲۰</sup> و همکاران، 2017). با این حال، مشخص نیست تا چه اندازه دلبستگی به والدین می‌تواند رفتارهای مشکل‌ساز پیش از نوجوانی را پیش‌بینی کند؛ زیرا اندازه اثر پیوند آنها با افزایش

- 1 Bullying
- 2 Cho & Lee
- 3 Olweus
- 4 Arnarsson
- 5 Carvalho
- 6 Chai
- 7 Smith
- 8 Tokunaga
- 9 Li
- 10 Vessey
- 11 Zhang
- 12 Willifod & Zinn
- 13 Psychological well-being
- 14 Bender & Losel

- 15 Attachment
- 16 Xu
- 17 Sabel
- 18 Spruit
- 19 Ngai
- 20 Parra-Cardona

کمبود منابع لازم و دسترسی نداشتن به امکانات و شرایط زندگی مطلوب باعث می شود نوجوانان احساس حقارت کنند که این وضعیت به بهزیستی و سلامت روانی آنها آسیب می زند (فوجی وارا<sup>9</sup> و همکاران، 2019)؛ بنابراین، به طور کلی هر چه کودکان محروم تر و مظلوم تر باشند، احتمال اینکه همسالان آنها را آزار و اذیت کنند، بیشتر است (هو<sup>10</sup> و همکاران، 2018؛ جانسن<sup>11</sup> و همکاران، 2012).

تعدادی از مطالعات تأیید کرده اند که روابط همسالان ممکن است در قلدری تأثیر بگذارد (جورجیو<sup>12</sup>، 2008). با رسیدن کودک به جوانی، نیاز اجتماعی نوجوانان به این منجر می شود که به همسالان خود روی آورند که به موجب آن، همسالان افراد مهم دلبستگی می شوند (چارالالمپوس<sup>13</sup> و همکاران، 2018). بین سبک های دلبستگی و نوع روابط نوجوانان با همسالان ارتباط وجود دارد. فرزندان که با والدین خود دلبستگی ایمن دارند، با همسالان خود روابط مثبت تری دارند؛ در حالی که آن دسته از فرزندان که با والدین خود دلبستگی نایمن دارند، با همسالان خود در نوجوانی روابط خوبی ندارند (لی اورکا<sup>14</sup> و همکاران، 2017). برای درک بیشتر این مطلب می توان گفت که در طول دوره نوجوانی، تحول عمیقی اتفاق می افتد که همسالان به تدریج به عنوان منبع ممتاز حمایت اجتماعی و روابط صمیمی مورد توجه قرار می گیرند و نوجوانان بیشتر تمایل دارند طبق مدل های رفتاری اولیه خود با همسالان ارتباط برقرار کنند (گورس و راجیری<sup>15</sup>، 2012). از آنجا که نوجوانان به طور عمده رفتارهای اجتماعی را با تعامل با همسالان خود یاد می گیرند و درونی می کنند، گفته

سن به طور دائم تغییر می کند (مادیگان<sup>1</sup> و همکاران، 2016)؛ بنابراین، کیفیت و نوع دلبستگی به والدین منبع مهم اثرگذار بر بهزیستی روان شناختی است (هابنیر<sup>2</sup> و همکاران، 2013).

امروزه رویکرد روان شناسی مثبت بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است که بهزیستی روان شناختی یکی از مهم ترین مؤلفه های آن است (هایس و جوزف<sup>3</sup>، 2003). به طور کلی، بهزیستی عبارت است از توانایی تعامل و ارتباط مثبت با دیگران، برخورداری از هیجانات مثبت و گسترش احساس هدفمند در زندگی (گورل<sup>4</sup>، 2009). بهزیستی روان شناختی شش مؤلفه دارد: پذیرش خود، رشد شخصی، زندگی هدفمند، ارتباط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط و خودمختاری (ریف و کیز<sup>5</sup>، 1995). طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، فردی که به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی از شرایط مطلوبی برخوردار باشد، واجد سلامتی و بهزیستی شناخته می شود. از جمله ویژگی های بارز این افراد، احساس بهزیستی یا رضایت مندی است (لی و همکاران، 2018). دوره نوجوانی یکی از دوران های حساس زندگی است و بسیاری از عواملی که باعث رفاه زندگی می شوند، به سختی در دسترس اند که در این میان تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بر سلامتی نوجوانان به دلیل شیوع ویروس کرونا<sup>6</sup> در سال 2019 و پاسخ به آن، اهمیت سیستم های موجود را برای حمایت از بهزیستی روان شناختی نوجوانان تقویت کرده است (روس<sup>7</sup> و همکاران، 2020). یکی از عوامل مؤثر بر بهزیستی، کیفیت مراحل رشد است که بهداشت روانی را تحت تأثیر قرار می دهد و کیفیت حرکت به بزرگسالی را مشخص می کند (اریکسون<sup>8</sup>، 1959). از طرفی،

9 Fujiwara  
10 Hu  
11 Jansen  
12 Georgiou  
13 Charalampous  
14 Llorca  
15 Gorrese & Ruggieri

1 Madigan  
2 Huebner  
3 Hayes & Joseph  
4 Gurel  
5 Ryff & Keyes  
6 coronavirus  
7 Ross  
8 Ericsson

شده است که کیفیت دلبستگی به همسالان برای نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (پن<sup>۱</sup> و همکاران، 2017). با این حال، نوجوانی دوره‌ای است که افراد برای حمایت اجتماعی به همسالان متوسل می‌شوند (هانگ و اسپلاگه<sup>۲</sup>، 2012).

نتایج پژوهش‌های شایسی و خان‌محمدی (1398) نشان داد دلبستگی ایمن با قلدری رابطه منفی دارد؛ در حالی که دلبستگی نایمن میزان قلدری را در افراد پیش‌بینی می‌کند. کارمن و وینگر هوترز<sup>۳</sup> (2012) در پژوهش خود تأثیر سبک‌های دلبستگی را بر سازگاری افراد تأیید کرد که این توصیف با بهزیستی روان‌شناختی همبسته است. میلینگ<sup>۴</sup> و همکاران (2012) طی پژوهش‌های خود نشان دادند دلبستگی ایمن با همسالان به ارتباط بهتر آنها در مدرسه منجر می‌شود؛ چون در این گونه موارد همسالان به جای اذیت‌کننده بودن، حمایتگر خوبی برای سازگاری هستند. شاور<sup>۵</sup> و همکاران (2018) طی پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که دلبستگی نایمن با رفتارهای جامعه‌پسند همبستگی منفی دارد و افراد دارای دلبستگی نایمن تمایل کمتر برای کمک به دیگران دارند. محسن‌زاده و همکاران (1394) در پژوهش خود بیان کردند کیفیت روابط و فضای خانواده به صورت معنی‌داری زورگویی و قلدری در مدرسه را پیش‌بینی می‌کند. پژوهش اسماعیل‌زاده (1395) بیانگر این است که قلدری بر جو مدارس تأثیر منفی دارد و بهزیستی روان‌شناختی و هویت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مؤثری برای قلدری و قربانی شدن هستند.

به‌طور کلی، با توجه به مطالعات انجام گرفته در زمینه قلدری و عوامل مؤثر بر آن، تقریباً بیشتر مطالعات رابطه دلبستگی به والدین با قلدری را تأیید می‌کنند. درباره

انواع سبک‌های دلبستگی، ویلیامز<sup>۶</sup> (2011) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دلبستگی ایمن با قلدری و قربانی شدن رابطه منفی دارد؛ اما دلبستگی نایمن دوسوگرا و دلبستگی نایمن اجتنابی با قلدری و قربانی شدن رابطه مثبت دارد. درباره نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی، پژوهش‌ها نشان داده است دانش‌آموزانی که در محیط‌های آموزشی از جمله مدرسه دچار قربانی قلدری می‌شوند، دچار مشکلات روانی می‌شوند و احساس ناامنی می‌کنند و با گذشت زمان، سلامت جسمی و روانی آنها بیش‌ازپیش به خطر می‌افتد که در این میان قتل یک دانش‌آموز 16 ساله در مالزی نگرانی‌هایی در این باره به وجود آورده است (یوبا<sup>۷</sup> و همکاران، 2009). مطالعات نشان می‌دهد اوج رفتار قلدری بین پایه ششم تا هشتم است (لی، 2010)؛ به همین علت، لزوم انجام پژوهش برای دوره متوسطه اول احساس می‌شود. اکثر مطالعات انجام گرفته در این زمینه به دلیل جنب و جوش پسرها به این جنسیت پرداخته است؛ حال آنکه باید توجه داشت قلدری مختص به جنسیت خاصی نیست و در هر دو جنس به میزان کم و زیاد وجود دارد و گاه به آسانی قابل مشاهده است. پس می‌توان گفت برای رسیدن به پژوهش‌های دقیق درباره قلدری و پاسخ به خلأهای موجود در این زمینه، بهتر است پژوهش درباره دختران باشد. فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش عبارت است از:

فرضیه اول: در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری، بهزیستی روان‌شناختی نقش میانجی دارد.

فرضیه دوم: در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری، دلبستگی به همسالان نقش میانجی دارد.

فرضیه سوم: در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری، بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی به همسالان نقش میانجی دارد.

1 Pan  
2 Hong & Espelage  
3 Karreman & Vingerhoets  
4 Millings  
5 Shaver

6 Williams  
7 Uba

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر براساس هدف بنیادی و براساس نحوه گردآوری اطلاعات از نوع پژوهش‌های توصیفی و همبستگی و به‌طور ویژه تحلیل مسیر است. جامعه پژوهش حاضر همه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول شهرستان کوثر استان اردبیل در سال تحصیلی 1399-1400 بود. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد؛ به این صورت که شهرستان به دو ناحیه تقسیم شد و از هر ناحیه دو مدرسه برای اجرای پرسشنامه انتخاب شد. پرسشنامه‌ها با رعایت اصل رازداری و محرمانه بودن اطلاعات و با رضایت آگاهانه به صورت مجازی و با پیوند طراحی شده در PORSLINE در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. از 350 پرسشنامه توزیع شده، 329 پرسشنامه کامل تکمیل، دریافت و تحلیل شد. از مجموع 329 نفر شرکت‌کننده در این پژوهش، 329 نفر (100 درصد) دختر بودند که 94 نفر (28/57 درصد) در پایه هفتم مقطع متوسطه اول، 112 نفر (34/04 درصد) در پایه هشتم مقطع متوسطه اول و 123 نفر (38/37 درصد) در پایه نهم مقطع متوسطه اول مشغول به تحصیل بودند.

## ابزارهای پژوهش

1) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف<sup>1</sup>

این مقیاس را ریف<sup>1</sup> در سال 1980 تنظیم کرد که در پژوهش حاضر از نسخه 54 سؤالی آن استفاده شده است. این پرسشنامه از آزمون‌های خودگزارش‌دهی و بسته پاسخ است که هر یک از سؤالات این پرسشنامه از طیف 6 درجه‌ای (کاملاً مخالفم، تا حدی مخالفم، مخالفم، موافقم، تا حدی موافقم و کاملاً موافقم) تشکیل شده است. شش خرده‌مقیاس این آزمون عبارت است از پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، استقلال،

تسلط بر محیط، هدفمندی در زندگی و رشد شخصی، که مجموع نمرات این شش خرده‌مقیاس حداقل 54 و حداکثر 324 است. در پژوهش بیانی، محمد کوچکی و بیانی (1387) ساختار عاملی و اعتبار این پرسشنامه تأیید شد. روایی و پایایی پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی در پژوهش‌های زیادی مطلوب گزارش شده است. سلیمانی و حبیبی (1393) در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ را برای این ابزار 0/85 گزارش کردند. (2) مقیاس قلدری ایلی‌نویز<sup>3</sup>

این مقیاس را اسپلاگه و هولت<sup>4</sup> طراحی کردند و ایلی‌نویز آن را در سال 2001 تألیف کرده است. 18 سؤال دارد و با مقیاس لیکرت 5 درجه‌ای (هرگز، کم، گاه‌گاه، زیاد و هفت بار یا بیشتر) مشخص می‌شود. هدف اصلی این پرسشنامه ارزیابی میزان قلدری دانش‌آموزان در سه خرده‌مقیاس قلدری، زدو خورد و قربانی است که 9 گویه رفتار قلدری، 4 گویه قربانی‌بودن و 5 گویه هم زدو خورد را ارزیابی می‌کند. این مقیاس بر روی افراد بهنجار قابل اجراست و افرادی که به اختلالاتی چون زوال عقل و روان‌پریشی مبتلا هستند، به گونه‌ای که این حالات توانایی آنها را در تکمیل فرم گزارش شخصی تحت تأثیر قرار می‌دهد، نباید پرسشنامه را تکمیل کنند. چالمه (1392) ساختار عاملی و روایی و اعتبار این مقیاس را بر روی 297 دانش‌آموز دختر و پسر انجام داد که ضریب آلفای کرونباخ بین 0/62 تا 0/90 نوسان داشت. در نتیجه، فرم فارسی این مقیاس از روایی و پایایی در جامعه ایران برخوردار است. در پژوهش حاضر از خرده‌مقیاس قلدری استفاده شد که دامنه نمره آن بین 9 تا 45 قرار داشت.

3) سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان - تجدیدنظر شده<sup>5</sup>

این سیاهه را آرمسدن و گرینبرگ<sup>1</sup> در سال 1987 برای سنجش دلبستگی به صورت خودگزارش‌دهی

3 Illinois Bullying Scale (IBS)

4 Splage & Holt

5 Inventory of Parent and Peer Attachment-Revised

1 Psychological Well-Being Scale (PWBS)

2 Ryff

ساختند که به سنجش امنیت روان‌شناختی حاصل از ارتباط با افراد معین نیز می‌پردازد. پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان برای جمعیت سنی 9 تا 15 سال مناسب است و دو نسخه دارد که یک نسخه 28 سؤالی برای سنجش دلبستگی به والدین و یک نسخه 25 سؤالی برای سنجش دلبستگی به همسالان استفاده می‌شود و در مجموع 53 سؤال دارد. هر دو نسخه در مجموع سه خرده‌مقیاس اعتماد، بیگانگی و ارتباط را می‌سنجند. پژوهش‌های زیادی پایایی و روایی این پرسشنامه را تأیید کرده‌اند. ناصری و همکاران (1391) در پژوهش خود در نسخه دلبستگی به والدین نشان دادند ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس اعتماد به والدین 0/74، ارتباط با والدین 0/73 و بیگانگی با والدین 0/69 است. در نسخه همسالان هم اعتماد به همسالان 0/78، ارتباط با همسالان 0/62 و بیگانگی از همسالان 0/42 به دست آمد. همچنین، روایی این پرسشنامه نیز با پرسشنامه پیوند والدین نیز نتایج مطلوبی به دست داد. ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی این ابزار در پژوهش ناصری و همکاران (1391) تأیید شد.

### یافته‌ها

در این قسمت ابتدا یافته‌های توصیفی برای متغیرهای پژوهش براساس میانگین و انحراف استاندارد و به دنبال آن، ماتریس همبستگی در جدول 1 گزارش شده است. در ادامه، نتایج تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار LISREL 10.2 روابط بین متغیرها در شکل 1 آمده است.

**جدول 1. اطلاعات توصیفی و ماتریس همبستگی بین متغیرها**

متغیر	میانگین	انحراف	1	2	3	4
1-بهبودی	220/96	32/29	-			
2-قلدری	28/91	12/80	-0/38**	-		
3-دلبستگی به والدین	67/73	11/01	0/59**	-0/45**	-	
4-دلبستگی به همسالان	59/96	9/46	0/47**	-0/32**	0/58**	4

P<0.01

در جدول 1 اطلاعات توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و همچنین ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است. طبق اطلاعات این جدول، دلبستگی به والدین بیشترین همبستگی را با بهبودی روان شناختی دارد ( $r=0/47$  و  $P<0/01$ ). بین قلدری و بهبودی روان شناختی رابطه منفی وجود دارد

در جدول 1 اطلاعات توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و همچنین ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است. طبق اطلاعات این جدول، دلبستگی به والدین بیشترین همبستگی را با بهبودی روان شناختی دارد ( $r=0/47$  و  $P<0/01$ ). بین قلدری و بهبودی روان شناختی رابطه منفی وجود دارد

همه این ضرایب در سطح خطای کمتر از 0/01 معنی دار هستند. برای تحلیل روابط چندگانه متغیرها از روش تحلیل مسیر با کمک نرم افزار LISREL8.8 استفاده شد. نتایج حاصل از این تحلیل به صورت اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل در جدول 2 و براساس پارامتر استاندارد گزارش شده است.

در جدول 2 اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل برای رابطه بین متغیرها

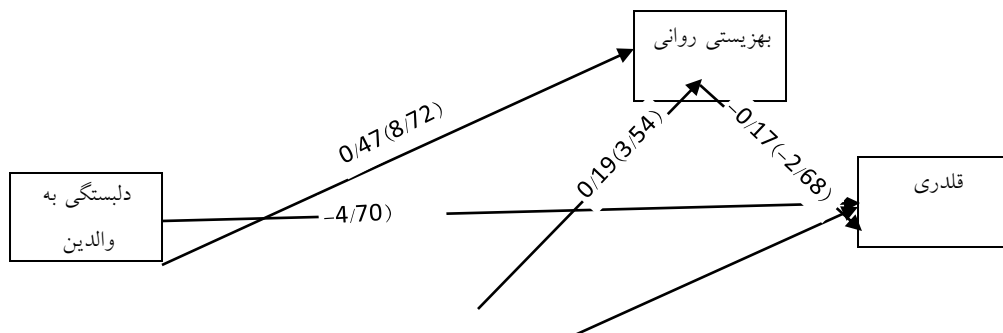
**جدول 2. اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل برای رابطه بین متغیرها**

متغیر وابسته	متغیر پیش بین	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	مقدار t
قلدری	دلبستگی به والدین	-0/31	-0/17	-0/48	-9/02
	دلبستگی به همسالان	-0/16	-0/05	-0/21	-4/38
	بهبودی روانی	0/41	-	0/41	6/76
بهبودی روانی	دلبستگی به والدین	0/47	0/11	0/58	12/90
	دلبستگی به همسالان	0/19	-	0/19	3/63
دلبستگی به همسالان	دلبستگی به والدین	0/57	-	0/57	12/47

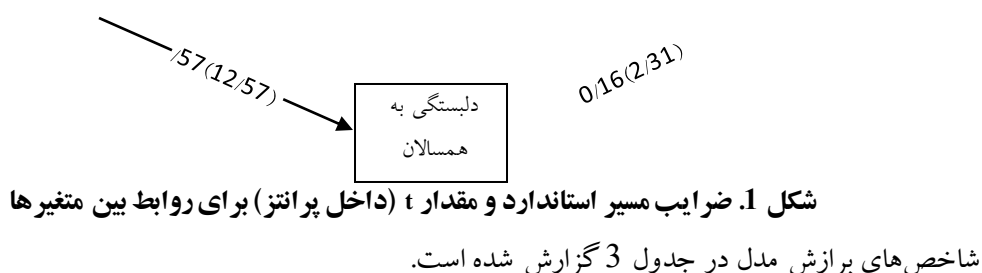
طبق اطلاعات جدول 2 دلبستگی به والدین ( $\beta=-0/31$ )، دلبستگی به همسالان ( $\beta=-0/16$ ) و بهبودی روانی ( $\beta=0/41$ ) اثر مستقیم و معنی داری بر قلدری دانش آموزان دارد. همچنین، دلبستگی به والدین ( $\beta=0/47$ ) و دلبستگی به همسالان ( $\beta=0/19$ ) اثر مستقیم و معنی داری بر بهبودی روانی دارند. دلبستگی به والدین ( $\beta=0/57$ ) نیز اثر مستقیم و معنی داری بر دلبستگی به همسالان دارد. اثر غیرمستقیم دلبستگی به والدین ( $\beta=-0/17$ ) و دلبستگی به همسالان ( $\beta=-0/05$ )

$\beta=$  بر قلدری و نیز اثر غیرمستقیم دلبستگی به والدین ( $\beta=0/11$ ) بر بهبودی روانی معنی دار است. در دو ستون آخر پارامتر استاندارد اثر کل به همراه مقادیر t مرتبط گزارش شده است که همگی معنی دار هستند ( $P<0/01$ ).

در شکل 1 پارامتر استاندارد مقادیر t برای اثرهای مستقیم ارائه شده است.







جدول 3: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مقدار	سطح مطلوب	وضعیت
X2	1/02	-	-
Df	1	-	-
P	0/46	>0/05	مطلوب
X2/df	1/02	<3	مطلوب
RMSEA	0/01	<0/05	مطلوب
GFI	0/99	>0/90	مطلوب
AGFI	0/99	>0/90	مطلوب
TLI	0/99	>0/90	مطلوب
NFI	0/99	>0/90	مطلوب
CFI	0/99	>0/90	مطلوب

همسالان نیز نقش میانجی را ایفا می‌کنند. از نخستین فرضیه‌های پژوهش این است که در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری، بهزیستی روان‌شناختی نقش میانجی دارد. با توجه به اینکه پژوهش‌های زیادی درباره قلدری صورت نگرفته است، پژوهشی یافت نشد که نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی را در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری نشان دهد؛ ولی برخی از پژوهش‌ها رابطه دلبستگی دوپاره‌دو این متغیرها را با هم تأیید می‌کنند و پژوهش حاضر می‌تواند این خلأ مطالعاتی را پر کند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش فتحی آشتیانی و شیخ‌الاسلامی (1398) هم‌سو است. داده‌های به‌دست آمده از پژوهش آنها نشان داد بین بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی نایمن اجتنابی و اضطرابی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین، نتایج یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش

طبق جدول 3 نسبت خیدو به درجه آزادی، 1/02، مقدار RMSEA برابر با 0/01 به دست آمده است که با توجه به ستون آخر جدول وضعیت مطلوبی دارند. مقادیر GFI، AGFI، TLI، NFI و CFI بالای 0/99 هستند که دلالت دیگری بر مطلوبیت مدل است؛ بنابراین، مدل رسم شده در شکل 1 به جامعه کلی تعمیم پذیر است.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه دلبستگی به والدین با قلدری نوجوانان با تحلیل نقش میانجی بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی به همسالان بود. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر نشان داد داده‌ها از روابط فرضی بین متغیرهای پیشنهادی پشتیبانی می‌کنند. همچنین، نتایج نشان داد علاوه بر اینکه دلبستگی به والدین و قلدری رابطه مستقیم، منفی و معنی‌داری با هم دارند، دو متغیر بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی به

سایکاز<sup>۱</sup> و همکاران (2013) هم‌سو است. آنها در پژوهش خود نشان دادند دانش‌آموزان قربانی قلدری سه برابر بیشتر از همسالان خود احساس ناراحتی و غم و اندوه دارند که این احساسات مغایر با بهزیستی روان‌شناختی است. از طرف دیگر، نتیجه یافته‌های این پژوهش با پژوهش شایسی و خان‌محمدی (1398) هم‌سو است. آنها در پژوهش خود که بر روی 200 نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که هرچه دلبستگی ایمن بین والدین و دانش‌آموزان بیشتر باشد، میزان قلدری کمتر است؛ اما زمانی که دانش‌آموزان الگوهای دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا داشته باشند، میزان قلدری در آنها افزایش می‌یابد. مطابق با این یافته‌ها دلبستگی ایمن با افزایش بهزیستی روان‌شناختی، خود عاملی برای جلوگیری از قلدری و قربانی شدن است. با توجه به روابط میان متغیرها، بهزیستی روان‌شناختی در پژوهش حاضر به خوبی نقش میانجی را ایفا کرده است که نتایج حاصل از تحلیل مسیر و شاخص‌های برازش مدل هم آن را تأیید می‌کنند. در تبیین نتایج فرضیه اول می‌توان گفت تعاملات خانوادگی ضعیف از قبیل دلبستگی ناایمن و کنترل ناکافی والدین بر روی کودکان و نوجوانان می‌تواند زمینه‌ای برای انجام رفتارهای خشونت‌بار باشد. سانچز ماکوزت و دروموند<sup>۲</sup> (2011) معتقدند والدین تأثیرگذارترین تعاملات را در زندگی آینده فرزندان دارند و شرایط نامطلوب می‌تواند اثرات روانی بلندمدتی بر آنها داشته باشد.

از دیگر فرضیه‌های پژوهش این است که در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری، دلبستگی به همسالان نقش میانجی دارد؛ به طوری که دلبستگی ایمن به والدین باعث افزایش دلبستگی به همسالان می‌شود و هرچه

دلبستگی به همسالان بیشتر باشد، افراد کمتر قربانی قلدری می‌شوند. نتایج یافته‌های مرتبط با این فرضیه با نتایج پژوهش یو<sup>۳</sup> و همکاران (2015) هم‌سو است. آنها در پژوهش خود نشان دادند دلبستگی به مادر و دلبستگی به همسالان با میانجی‌گری همدلی به طور غیرمستقیم باعث کاهش زورگویی و قلدری می‌شود. همچنین، این پژوهش با پژوهش بیابانی علی‌آباد و همکاران (1395) هم‌سو است. آنها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران، بین نوجوانان درگیر و غیردرگیر در زورگویی و قلدری تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به این صورت که بین این دو گروه، گروه غیردرگیر نمرات بالاتری در میزان دلبستگی به والدین نسبت به گروه همسالان و خواهران و برادران کسب کردند. همچنین، افراد حاضر در گروه درگیر، گروه زورگو و زورگو-قربانی بعد از دلبستگی به مادر نمره بالایی در دلبستگی به همسالان کسب کردند. یعنی بین گروه درگیر و غیردرگیر در پدیده زورگویی در میزان نمره دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران تفاوت وجود دارد. نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین دلبستگی به همسالان و دلبستگی به والدین ارتباط مثبت و معنی‌دار، و با قلدری ارتباط منفی و معنی‌دار وجود دارد که نتایج تحلیل مسیر هم آن را تأیید می‌کند؛ بنابراین، دلبستگی به همسالان می‌تواند به خوبی نقش میانجی را در رابطه دلبستگی به والدین و قلدری ایفا کند. در تبیین این بخش از فرضیه پژوهش می‌توان گفت جو منفی در خانه و مدرسه به همراه ارتباط ضعیف با همسالان در قربانی شدن دخیل هستند (جونز<sup>۴</sup>، 2013). نوع دلبستگی نوجوانان با والدین می‌تواند معرف نوع

3 You  
4 Jones

1 Seixas  
2 Sanchez-Macouzet & Drummond

عزت‌نفس پایینی دارند؛ گرچه معلوم نیست عزت‌نفس پایین علت قلدری است یا معلول آن (جونز و گراهام<sup>۳</sup>، 2014). برای نوجوانان، داشتن عزت‌نفس مهم است؛ حال آنکه جنبه‌های منفی قلدری می‌تواند میزان عزت‌نفس را کاهش دهد و بهزیستی و سلامت روانی دانش‌آموزان را با خطر مواجه کند.

براساس یافته‌های به‌دست‌آمده و پژوهش‌های انجام‌شده مشخص شد دل‌بستگی ایمن به والدین یکی از عوامل مؤثر بر کاهش قلدری و قربانی‌شدن است. متغیرهای میانجی بهزیستی روان‌شناختی و دل‌بستگی به همسالان هم به میزان زیادی این فرضیه را تقویت می‌کنند.

در انجام پژوهش حاضر مانند تمام پژوهش‌های دیگر محدودیت‌هایی وجود داشت. نخستین محدودیت پژوهش حاضر این است که روش پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است؛ بنابراین، نمی‌توان تبیین علت‌ومعلولی برای آن ارائه داد. دومین محدودیت به نحوه گردآوری داده‌ها مربوط می‌شود. چون داده‌ها به‌صورت پرسشنامه در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت، اطلاعات کمتری را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و معلوم نیست که نتایج اطلاعات به‌دست‌آمده تا چه حد با رفتارهای واقعی یکسان است. سومین محدودیت پژوهش هم به نمونه مربوط است. نمونه پژوهش حاضر از دختران تشکیل شده است که در تعمیم آن به سایر اقشار باید احتیاط کرد. برای انجام پژوهش درزمینه قلدری، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران روش‌های پژوهش جامعی را انتخاب کنند که علاوه بر مشخص کردن همبستگی این عوامل، رابطه علت‌ومعلولی را هم آشکار کند تا به این صورت، بتوان نتایج پژوهش‌ها را به جامعه بزرگ‌تری تعمیم داد. یکی از پیشنهادها کاربردی به‌خصوص برای برنامه‌ریزان آموزشی این است که

دل‌بستگی آنها با همسالان خود باشد؛ بنابراین، در قدم اول توجه به ارتباطات خانواده برای پیش‌بینی ارتباطات آینده نوجوانان مؤثر است. دل‌بستگی والدین، به‌خصوص دل‌بستگی نایمن، با قلدری نوجوانان در آینده مرتبط است (کویو<sup>۱</sup>، 2012).

از دیگر فرضیه‌های پژوهش این است که در رابطه دل‌بستگی به والدین و قلدری، بهزیستی روان‌شناختی و دل‌بستگی به همسالان نقش میانجی دارد. نتایج پژوهش نشان داد دو متغیر بهزیستی روان‌شناختی و دل‌بستگی به همسالان می‌تواند میزان قلدری را به‌طور معنی‌دار کاهش دهد. یعنی دل‌بستگی به والدین می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی و دل‌بستگی به همسالان را به‌طور مثبت پیش‌بینی کند و بهزیستی روان‌شناختی و دل‌بستگی به همسالان هم به‌سهم خود با قلدری رابطه منفی و معنی‌دار دارند. نتایج پژوهش این بخش از فرضیه با نتایج پژوهش جورج و سریز<sup>۲</sup> (2008) هم‌سو است. آنها دل‌بستگی را عامل تهدیدکننده‌ای برای توانایی‌های ذهنی و بهزیستی روان‌شناختی می‌دانند که نشان‌دهنده همبستگی قوی بین این دو سازه است. همچنین، نتایج پژوهش از طرف دیگر با نتایج پژوهش نعمتی و همکاران (1398) هم‌سو است که در پژوهش خود نشان دادند واکنش قربانیان قلدری در حوزه روان‌شناختی در نوسان است و اعتمادبه‌نفس ضعیف، درماندگی و استرس را به دنبال دارد که همه این موارد مغایر با بهزیستی روان‌شناختی است. در تبیین این فرضیه از پژوهش می‌توان گفت یکی از عوامل مهم تهدید بهزیستی روان‌شناختی، تهدید از جانب همسالان است. افراد قلدر معمولاً از عزت‌نفس بالایی برخوردارند و همین عامل به افزایش فراوانی رفتار آنها منجر می‌شود؛ اما افرادی که قربانی قلدری می‌شوند، معمولاً

1 Kõiv

2 George &amp; Series

سلیمانی، اسماعیل و حبیبی، یعقوب (1393). ارتباط تنظیم هیجان و تاب‌آوری با بهزیستی روان‌شناختی در دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، 3(4)، ۵۱-۷۲.

شاویسی، سعید و خان‌محمدی، فرامرز (1398). رابطه الگوهای دلبستگی و خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، 13(2)، ۱۳۵-۱۲۳.

فتحی آشتیانی، مینا و شیخ‌الاسلامی، راضیه (1398). رابطه بین سبک دلبستگی و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی. *مجله روان‌شناسی*، 23(2)، ۱۴۷-۱۳۴.

محسن‌زاده، فرشاد؛ عارفی، مختار و افطاری، شکوه (1394). رابطه رفتار زورگویی با عوامل فردی، خانوادگی و ادراک از محیط مدرسه در دانش‌آموزان دوره راهنمایی. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، 9(2)، ۶۳-۵۴.

ناصری محمدآبادی، علی؛ عسکری، آزاده؛ بهرامی، فاطمه؛ صادق، رباب و عابدی، جواد (1391). هنجاریابی پرسشنامه خزانه دلبستگی والدین و همسالان تجدیدنظرشده در کودکان 9 تا 11 ساله شهر اصفهان. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، 2(2)، ۴۰-۲۵.

نعمتی، شهرور؛ بدری گرگری، رحیم؛ صدر، رقیه و کاتورانی، آرام (1398). پیامدهای روان‌شناختی قربانیان قلدری در بین دانش‌آموزان دختر. *مطالعات اجتماعی، روان‌شناختی زنان*، 17(3)، ۱۲۰-۸۷.

Arnarsson, A., Nygren, J., Nyholm, M., Torsheim, T., Augustine, L., Bjereld, Y., ... & Bendtsen, P. (2020). Cyberbullying and traditional bullying among Nordic adolescents and their impact on life satisfaction. *Scand J Public Health*, 48(5), 502-510.

می‌توانند با اجرای آموزش‌های رسمی و غیررسمی با موضوع شیوه‌های فرزندپروری به والدین و همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی توسط مدیران و معلمان مدرسه در سطح کلان، تا حدود زیادی این مشکلات را برطرف کنند.

## سپاس‌گزاری

نویسندگان مقاله حاضر از تمام افرادی که صادقانه در نمونه پژوهش شرکت کرده‌اند، نهایت تشکر و قدردانی را ابراز می‌کنند.

## منابع

اسماعیل‌زاده، فاطمه (1395). *رابطه جو مدرسه، بهزیستی و هویت اجتماع با قلدری و قربانی شدن دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان.

بیابانی علی‌آباد، حلیمه؛ اسعدی، سمانه و برزگر بفرویی، کاظم (1395). مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهران و برادران در نوجوانان درگیر و غیردرگیر در پدیده زورگویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، 12(47)، ۳۹۰-۳۶۹.

بیانی، علی‌اصغر؛ محمد کوچکی، عاشور و بیانی، علی (1387). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، 14(2)، ۱۵۱-۱۴۶.

چالسه، رضا (1392). کفایت روان‌سنجی مقیاس قلدری ایلی‌نویز در دانش‌آموزان ایرانی: بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، 11(3)، ۵۲-۳۹.

سالاری، پروین (1389). بررسی ارتباط سبک دلبستگی بالغین به والدین با میزان عملکرد جنسی زنان. *مجله بهداشت روانی*، 13(25)، 55-46.

- with parent attachment. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(5), 650-672.
- Gurel, N. (2009). Effects of thinking styles and gender on psychological well-being [dissertation]. *Diunduh pada*, 12, 1-70.
- Hayes, N. & Joseph, S. (2003). Big 5 Correlates of Three Measures of Subjective Well-Being. *Personality and Individual Differences*, 34, 723-727.
- Hong, J. S. & Espelage, D. L. (2012). "A review of research on bullying and peer victimization in school: An ecological system analysis". *Aggression and Violent Behavior*, 17(4), 311-322.
- Hu, H., Zhu, X., Jiang, H., Li, Y., Jiang, H., Zheng, P., ... & Shang, J. (2018). The association and mediating mechanism between poverty and poly-victimization of left-behind children in rural China. *Children and Youth Services Review*, 91, 22-29.
- Huebner, X. U., Jiang, E., Scott, H. & Kimberly, J. (2013). Parent attachment and early adolescents' life satisfaction: The mediating effect of hope. *Psychology in the Schools*, 50(4), 340-352.
- Jansen, P. W., Verlinden, M., Domisse-van Berkel, A., Mieloo, C., van der Ende, J., Veenstra, R., ... & Tiemeier, H. (2012). Prevalence of bullying and victimization among children in early elementary school: Do family and school neighbourhood socioeconomic status matter?. *BMC public health*, 12(1), 494.
- Jones, A. M. (2013). *Middle School Students' Perceptions of Bullying and the Effects of an Anti-Bullying Policy*. (Doctoral dissertation, Northeastern University Boston).
- Juvonen, J. & Graham, S. (2014). Bullying in schools: The power of bullies and the plight of victims. *Annual review of psychology*, 65, 159-185.
- Karremans, A. & Vingerhoets, A. J. J. M. (2012). Attachment and well-being: The mediating role of emotion regulation and resilience. *Personality and Individual Differences*, 53(7), 821-826.
- Kõiv, K. (2012). Attachment Styles among Bullies, Victims and Uninvolved Adolescents. *Online Submission*, 2(3), 160-165.
- Bender, D. & Lösel, F. (2011). Bullying at school as a predictor of delinquency, violence, and other anti-social behavior in adulthood. *Crim. Behav. Ment. Heal*, 21, 99-106.
- Carvalho, M., Branquinho, C. & de Matos, M. G. (2020). Cyberbullying and Bullying: Impact on Psychological Symptoms and Well-Being. *Child Indicators Research*, 14(1), 435-452
- Chai, L., Xue, J. & Han, Z. (2020). The effects of alcohol and tobacco use on academic performance among Chinese children and adolescents: Assessing the mediating effect of skipping class. *Children and youth services review*, 105646.
- Charalampous, K., Demetriou, C., Tricha, L., Ioannou, M., Georgiou, S., Nikiforou, M. & Stavrinides, P. (2018). The effect of parental style on bullying and cyber bullying behaviors and the mediating role of peer attachment relationships: A longitudinal study. *Journal of Adolescence*, 64(1), 109-123.
- Cho, S. & Lee, J. M. (2018). Explaining physical, verbal, and social bullying among bullies, victims of bullying, and bully-victims: Assessing the integrated approach between social control and lifestyles-routine activities theories. *Children and Youth Services Review*, 91, 372-382.
- Erikson, E. H. (1968). Identity, youth, and crisis. New York: Norton.
- Ferrand, C., Martinent, G. & Durmaz, N. (2014). Psychological need satisfaction and well-being in adults aged 80 years and older living in residential homes: Using a self-determination theory perspective. *Journal of Aging Studies*, 30, 104-111.
- Fujiwara, T., Isumi, A. & Ochi, M. (2019). Pathway of the association between child poverty and low self-esteem: results from a population-based study of adolescents in Japan. *Frontiers in Psychology*, 10, 937.
- George, E. S. & Series, E. (2008). *Advances in psychology*. Motor Control Laboratory, Arizona State University, Tempe, USA.
- Georgiou, S. (2008). Parental styles and child bullying and victimization experiences at school. *Social Psychology of Education*, 11(3), 213-227.
- Gorrese, A. & Ruggieri, R. (2012). Peer attachment: a meta-analytic review of gender and age differences and associations

- revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69(4), 719-727.
- Ross, D. A., Hinton, R., Melles-Brewer, M., Engel, D., Zeck, W., Fagan, L., ... & Mohan, A. (2020). Commentary Adolescent Well-Being: A Definition and Conceptual Framework. *JOURNAL OF ADOLESCENT HEALTH*, 67(4), 472-476.
- Sable, P. (2008). What is Adult Attachment?. *Clinical Social Work Journal*, 36(1), 21-30.
- Sanchez-Macouzet, O. & Drummond, H. (2011). Sibling bullying during infancy does not make wimpy adults. *Biology letters*, 7(6), 869-871.
- Seixas, S., Coelho, J. & Nicholas-Fischer, G. (2013). Bullies, victims and bully-victims: Impact on health profile. *Educação, Sociedade & Culturas*, 38, 53-75.
- Shaver, P. R., Mikulincer, M. & Cassidy, J. (2018). Attachment, caregiving in couple relationships, and prosocial behavior in the wider world. *Current Opinion in Psychology*, 25(2), 16-20.
- Smith, P. K., López-Castro, L., Robinson, S. & Görzig, A. (2018). Consistency of gender differences in bullying in cross-cultural surveys. *Aggression and Violent Behavior* (In Press). Socioeconomic Inequality in Adolescent Mental Well-Being: A Time Series Analysis of 17 Countries. *Journal of Adolescent Health*, 66, 21-28.
- Spruit, A., Goos, L., Weenink, N., Rodenburg, R., Niemeyer, H., Stams, G.J.J.M. & Colomesi, C. (2020). The relation between attachment and depression in children and adolescents: A multilevel meta-analysis. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 23(1), 54-69.
- Steven Sek-yum Ngai (2015). Parental bonding and character strengths among Chinese adolescents in Hong Kong. *International Journal of Adolescence and Youth*, 3(20), 317-333.
- Tokunaga, R.S. (2010). Following you home from school: A critical review and synthesis of research on cyberbullying victimization. *Computers in Human Behavior*, 26(3), 277-287.
- Uba, I. S., Yaacob, N. & Juhari, R. (2009). The relationship between peer relations and depression among adolescents in Selangor, Malaysia. *European Journal of Social Sciences*, 11(1), 149-159.
- Le, B. M., Impett, E. A., Lemay, E. P., Jr., Muise, A. & Tskhay, K. O. (2018). Communal motivation and well-being in interpersonal relationships: An integrative review and meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 144(1), 1-25.
- Lee, C. H. (2010). Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among Korean middle school students. *Journal of interpersonal violence*, 25(1), 152-176.
- Li, Q., Smith, P. K. & Cross, D. (2012). Research into cyberbullying: Context. In Q. Li, D. Cross & P. Smith (Eds.). *Cyberbullying in the global play ground: Research from inter-national perspectives* (3-12). Malden, MA: Blackwell
- Llorca, A., Cristina Richaud, M. & Malonda, E. (2017). Parenting, peer relationships, academic self-efficacy and academic achievement: direct and mediating effects. *Frontiers in Psychology*, 8, 2120.
- Madigan, S., Brumariu, L. E., Villani, V., Atkinson, L. & Lyons-Ruth, K. (2016). Representational and questionnaire measures of attachment: A meta-analysis of relations to child internalizing and externalizing problems. *Psychological Bulletin*, 142(4), 367-399. <http://dx.doi.org/10.1037/bul0000029>
- Millings, A., Buck, R., Montgomery, A., Spears, M. & Stallard, P. (2012). School connectedness, peer attachment, and self-esteem as predictors of adolescent depression. *Journal of Adolescence*, 35, 1061-1067.
- Olweus, D. (1993). *Bullying at school: What we know and what we can do*. Malden, MA: Blackwell Publishing. <https://doi.org/10.1002/pits.10114>
- Pan, Y., Hu, Y., Zhang, D., Ran, G., Li, B., Liu, C., ... & Chen, W. (2017). Parental and peer attachment and adolescents' behaviors: The mediating role of psychological suzhi in a longitudinal study. *Children and Youth Services Review*, 83, 218-225. doi: 10.1016/j.chilyouth.2017.10.038.
- Parra-Cardona, J., Yen, H. H. & Anthony, J. C. (2017). Epidemiological research on parent child conflict in the United States: subgroup variations by place of birth and ethnicity. <http://dx.doi.org/10.7717/peerj.2905>.
- Ryff, C. D. & Keyes, C. L. M. (1995). The structure of psychological well-being

- victimization and the moderating effects of parent-child relationship. *Psychological Development & Education*, 33(4), 457-467. 10.16187/j.cnki.issn1001-4918.2017.04.10
- You, S., Lee, J., Lee, Y. & Kim, A. Y. (2015). Bullying among Korean adolescents: The role of empathy and attachment. *Psychology in school*, 52(6), 594-606.
- Zhang, A., De Luca, S., Oh, S., Liu, C. & Song, X. (2019). The moderating effect of gender on the relationship between bullying victimization and adolescents' self-rated health: An exploratory study using the Fragile Families and Wellbeing Study. *Children and Youth Services Review*, 96, 155-162.
- Vessey, J. A., Di Fazio, R. L. & Strout, T. D. (2013). Youth bullying: A review of the science and call to action. *Nursing Outlook*, 61, 337-345.
- Williams, K. (2011). Bullying behaviors and attachment styles. *Electronic Theses & Dissertations*. Paper 444.
- Williford, A. & Zinn, A. (2018). Classroom-level differences in child-level bullying experiences: Implications for prevention and intervention in school settings. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 9(1), 23-48.
- Xu, Y., Zhang, W., Yu, C., Su, P., Liu, S. & Zhen, S. (2017). Parental corporal punishment and adolescent anxiety and depression: The mediating effect of peer